

فرمانده من

اصغر قنور

رفتن در دست توست!

لحظه‌هایی با شهید سرلشکر علی صیاد شیرازی

برای همه ما مهم است بدانیم انسان‌های بزرگ چگونه زندگی کرده‌اند! اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین است که بدانیم چه تأثیری بر جامعه و زندگی دیگران گذاشته‌اند. شهید علی صیاد شیرازی یکی از همان انسان‌های بزرگ است که با انتخاب راه درست اثری فراموش‌نشدنی بر جامعه خودش گذاشت.

او به خوبی آگاه بود انسان وقتی می‌تواند به انسان‌بودنش افتخار کند که هر کاری را برای رضایت خداوند انجام بدهد. کاری هم که برای رضایت خالق انجام بشود، نفعش به بندگان خداوند می‌رسد. حالا قسمتی از وصیت‌نامه این شهید را بخوانیم تا کمی بیشتر با او آشنا شویم: «... خداوند! این تو هستی که قلبم را ملامت از عشق به راهت، سلامت، نظامت و ولایتت قرار دادی. خدایا! تو خود می‌دانی که همواره آماده بوده‌ام آنچه را که تو خود به من داده‌ای، در راه عشقی که به راهت دارم، نثار کنم. در صورتی که چنین نبود، آن هم خواست تو بود. پروردگارا! رفتن در دست توست. من نمی‌دانم چه موقع خواهم رفت، ولی می‌دانم که از تو باید بخواهم تا مرا در رکاب امام زمانم (عج) قرار دهی و به قدری با دشمنان قسم خورده‌ات بجنگم تا به فیض شهادت نائل آیم ...»



لحظه‌هایی با
شهید صیاد شیرازی

همین چند جمله نشان می‌دهد که او چه روح بزرگی داشته است. با هم مختصری از زندگی او را مرور می‌کنیم. امیدواریم همگی مثل او راهی را انتخاب کنیم که باعث سرافرازی دین و کشورمان شود.

علی صیاد شیرازی در تمام دوران تحصیل خود در زمره شاگردان ممتاز بود. او در سال ۱۳۴۳ به دانشگاه افسری رفت و چند سال بعد با درجه ستوان دومی فارغ‌التحصیل شد. پس از اینکه دوره‌های «رنجری»* و جتربازی را در شیراز با رتبه عالی گذراند، دوره تخصصی توپخانه را در اصفهان سپری کرد و در سال ۱۳۴۸ به لشکر زرهی تبریز پیوست و در نیروی زمینی خدمت رسمی خود را آغاز کرد. افسر دیده‌بان توپخانه و معاون آتشبار نخستین سمت او بود. وی در سال ۱۳۵۰ برای گذراندن دوره آموزشی زبان انگلیسی به تهران آمد و بعد از پایان دوره و جدیت در تحصیل، یکی از استادان زبان انگلیسی شد.

در اوایل سال ۱۳۵۱، صیاد شیرازی در آزمون اعزام به خارج دانش‌آموختگان دانشکده افسری شرکت کرد و بعد از قبولی، برای تکمیل تخصص توپخانه به خارج از کشور اعزام شد و دوره سه ماهه تخصص «هواسنجی بالستیک» را با نمره عالی و احراز رتبه اول در میان ۲۰ افسر خارجی و ایرانی، به پایان رساند. در اواخر سال ۱۳۵۲، بعد از بازگشت به میهن، به اصفهان رفت و در دانشکده توپخانه مشغول تدریس شد. حائز توجه اینکه وی در آن دوران به تدریس زبان انگلیسی به طلاب حوزه علمیه، در کنار انجام وظایف نظامی و شغلی می‌پرداخت.

علی در سال ۱۳۵۰ قصد داشت با دختردایی خود ازدواج کند که با مخالفت ارتش پهلوی مواجه شد. دلیل مخالفت با ازدواج او با این دختر را سابقه مبارزاتی پدرش با پهلوی مطرح کرد. سرانجام ارتش پهلوی

در اثر اصرار ستوان شیرازی، با این ازدواج موافقت کرد.

در مهر ماه سال ۱۳۶۰، علی صیاد شیرازی به پیشنهاد رئیس شورای عالی دفاع، از سوی امام خمینی(ره) به فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی منصوب شد. وظیفه او در این منصب فرماندهی نیروهای ارتش اسلام در عملیات‌های پیروزمند ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس بود؛ عملیاتی که سرنوشت جبهه‌های اسلام علیه کفر را به پیروزی رقم زد و روند جنگ تحمیلی را در مسیر پیروزی ارتش اسلام قرار داد. بعد از آن در ۲۳ تیرماه ۱۳۶۵، طی حکمی از طرف حضرت امام خمینی(ره)، به عضویت شورای عالی دفاع منصوب شد و به سبب مسئولیت خطیری که در این شورا داشت، در مرداد ماه همان سال، مسئولیت فرماندهی نیروی زمینی ارتش به درخواست رئیس شورای عالی دفاع و موافقت حضرت امام خمینی(ره)، به شخص دیگری واگذار شد.

روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۶، علی صیاد شیرازی به همراه تعدادی دیگر از فرماندهان ارتش، به پیشنهاد رئیس شورای عالی دفاع و موافقت امام خمینی(ره)، به درجه سرتیپی ارتقای مقام یافت. وی در مهرماه سال ۱۳۶۸، به تقاضای رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح و موافقت مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به سمت معاونت بازرسی ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب شد. در شهریورماه سال ۱۳۷۲ امیر شجاع سپاه اسلام با حکم فرماندهی معظم کل قوا به سمت جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد. در ۱۶ فروردین ماه

۱۳۷۸ نیز هم‌زمان با عید غدیر، به حکم مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، وی به درجه سرلشکری نائل آمد.

نباید این را فراموش کنیم شهید صیاد شیرازی تا آخرین لحظات جنگ تحمیلی هم‌چنان قوی و ثابت قدم با دشمنان قسم خورده دین و کشورمان جنگید و یک قدم پا پس نگذاشت. واپسین نفس‌های به شماره افتاده این دشمنان، منافقین کور دل بودند، که گمان می‌کردند ایران با پذیرفتن قطعنامه پایان جنگ، از مرزها به عقب رفته است و فرصت دارند تا به کشورمان حمله کنند. در همین روزها بود که دوباره رشادت‌های شهید صیاد شیرازی جبهه‌های ما را پر از عطر ایمان کرد. منافقین با تجهیزات پیشرفته آمده بودند تا ایران را در کوتاه‌ترین مدت فتح کنند و پرچم نفاق‌شان را در خاکی که بوی عشق و شهادت می‌داد، به اهتزاز در آورند. آن‌ها نمی‌دانستند هنوز فرمانده بیدار و هوشیار این سرزمین لباس رزم بر تن دارد. برای همین آمدن منافقین به مرزهای کشورمان همان و نابودی‌شان در عملیات غرور آفرین مرصاد همان!

دشمنان اسلام و منافقان کور دل که از سال‌ها قبل فعالیت‌های این امیر شجاع و مؤمن را زیر نظر داشتند، در ساعت ۶ و ۴۵ دقیقه صبح روز شنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۷۸، هنگامی که با خودرو قصد رفتن به محل کارش را داشت، در مسیر مورد سوء قصد عوامل تروریست منافقان قرار گرفت و به شدت مجروح شد. این سرباز فداکار عاقبت بر اثر شدت جراحات در «بیمارستان فرهنگ» تهران به فیض عظمای شهادت نائل آمد. یادش گرامی باد.

* جهت‌یابی در کویر، پیدا کردن غذا در کویر و کنار آمدن با طوفان‌های صحرائی و شن آشنا هستند.